

تکنولوژی و زنان روستایی: مطالعه‌ای بر تحول نقش‌ها و ابزارهای تولیدی زنان

شالیکار استان گیلان

دکتر سهیلا علیرضائزاد*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۸

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۱۴

چکیده

این پژوهش با اتکای به نظریه‌استر بزرف در باره فرآیند توسعه در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا ورود تکنولوژی منجر به توانمندی زنان شالیکار شمال ایران شده است؟ برای پاسخگویی به این پرسش از روش کیفی استفاده شده است و نسلی از زنان در یک دوره ۱۵ ساله مورد مطالعه قرار گرفته است. و تحول فعالیت‌ها، فرصت‌ها و منابع در دسترس آنان مورد مشاهده و بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد که با ورود تکنولوژی عملاً نقش‌های زنان کاهش یافته و آنان به حاشیه فعالیت تولیدی رانده شده و دسترسی آنان به منابع مالی قدرت کاهش یافته است. مشاهدات حکایت از تفاوت ابزارهای مورد استفاده زنان و مردان و نیز جدایی نقش‌های آنان داشت. در فرآیند توسعه و در فعالیت‌هایی که شرایط و امکانات منطقه اجازه ورود تکنولوژی را به آنان می‌داد، نقش‌ها از فعالیت‌های زنانه خارج شده و به فعالیت‌های مردانه افزوده شده است. پیامد کاهش فعالیت‌های زنان آن بود که کنترل محدود زنان بر منابع قدرت مالی حاصل از مالکیت برنج یا زمین و نیز فروش آن، بیش از پیش کم شود و دسترسی آنان به منابع تشویق‌کننده قدرت از جمله مالکیت نیز محدود شود. تغییر این نقش‌ها زنان را بیشتر به زنان خانه‌دار تبدیل کرده و روابط اجتماعی آنان را نیز در سطح محلی با دیگر زنان کاهش داده است.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، زنان شالیکار، تکنولوژی، توانمندی

مقدمه

مفهوم توسعه، به ویژه پس از بازبینی‌ها و نقدهایی که در باره آن صورت گرفته است (به ویژه نظریات بسیار مهم استر بزرف^۱)، به مثابه فرآیندی شناخته شده است که امکان دسترسی به فرصت‌های برابر را برای گروه‌های مختلف اجتماعی، به ویژه گروه‌های به حاشیه رانده شده فراهم می‌کند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که توانمند شدن^۲ بخشی جدانشدنی از فرآیند مدرن شدن و توسعه یافتگی در کشورهای پیرامونی تلقی می‌شود. از این رو انتظار می‌رود که در این فرآیند شرایط دسترسی افراد و گروه‌های به حاشیه رانده شده، مثل زنان، به منابع قدرت فراهم شود.

تخصیص

¹ Ester Bosrup

² Empowerment

و اشتغال به ویژه برای زنان ایرانی از جمله ویژگی‌هایی است که به باور عمومی، در توانمند شدن زنان تاثیر مهمی دارد (لـوئیس، ۱۳۸۱: ۳۲۶-۳۲۵؛ غنـی نـی نـژاد، ۱۳۷۷: ۲۷-۲۶؛ اسملسر، ۱۳۵۰: ۹۶-۹۵؛ ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۴۴؛ اکبری، ۱۳۸۲، ص ۶۶؛ لمتون، ۱۳۷۹: ۲۰۸-۲۰۷). اما پرسش آن است که نهاده‌های تکنولوژیک در این میان چه نقشی ایفا می‌کنند؟ آیا ورود و استفاده از تکنولوژی برای زنان منجر به توانمندی آنان می‌شود؟ و آیا بر نقش گروه‌های حاشیه‌ای مثل زنان روستایی در فرآیند توسعه، می‌افزاید؟

چارچوب نظری

در کشورهای در حال توسعه، زنان میزان بسیار بالایی از نیروی کار مزرعه را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که معمولاً اعتبارات و فرصت‌ها به سوی آنان هدایت نمی‌شود. اما در عین حال با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جوامع، سطوح متفاوتی از برابری فرصت‌ها بین زن و مرد در جوامع دیده می‌شود. بوسن^۳ بر این باور است که در نواحی ای که زنان سهم بیشتری در کشاورزی دارند، همکاری آنان در تجارت نیز افزون شده و روابط جنسیتی مساوات طلبانه تری در منطقه دیده می‌شود. در حالی که مناطقی با مشارکت پایین زنان در کشاورزی، به طور عمومی با روابط جنسیتی نابرابر، انزوای بیشتر زنان در خانه و تاکید بیشتر روی نقش‌های زادآوری به مثابه پایه ارزش و پایگاه زنان دیده می‌شود. وی البته یادآور می‌شود که تحولات استعماری و توسعه‌ای^۴ اغلب الگوی کشاورزی متکی بر مدل کشاورزی مردانه^۵ را تحمیل می‌کند و زن‌ها هر چه بیشتر وابسته به خانه می‌شوند (Bossen, 2007:2-3). زنان به طور کلی در بخش کشاورزی به عنوان نیروی کار خانوادگی بدون مزد فعالیت می‌کنند. توسعه تکنولوژی و بهره‌برداری از فن‌آوری‌های نوین معمولاً موجب رها شدن زنان از محیط کار می‌شود، زیرا آنان در کشاورزی کم بازده و معیشتی فعال هستند (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). در ایران مطالعات نشان داده‌است که زنان روستایی شمال ایران بالاترین میزان مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی را از خود نشان می‌دهند (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲) با توجه به مطالعات بوسن انتظار می‌رود که در این منطقه سطح مناسبی از برابری فرصت‌ها بین زن و مرد دیده شود. از این رو آیا می‌توان نتیجه گرفت که زنان شالیکار شمال به طور مساوی از تکنولوژی مدرن بهره‌مند بوده و فرآیند ورود نهاده‌های تکنولوژیک منجر به مردانه شدن کشاورزی در این منطقه نمی‌شود؟

استر بزروف برای اولین بار به این نکته مهم اشاره کرد که توسعه اقتصادی اگر زنان را مجزا کند، می‌تواند برای زنان زیان‌آور باشد. در این گونه موارد توسعه می‌تواند به ضد خود تبدیل شود. وی همچنین معتقد است که تغییرات جزیی در تکنولوژی زراعی می‌تواند موجب تغییرات اساسی در نقش‌های جنسیتی در کشاورزی شود (بزروف، ۱۹۸۰). ماریان شمینگ بحث بزروف را به نوع دیگری مطرح می‌کند. به زعم او فرآیند توسعه در کشورهای در حال رشد با ملل توسعه یافته متفاوت است، او بر این باور است که فن‌آوری‌های جدید به همراه نیاز

³. Laurel Bossen

⁴. Colonial and development Transformations

⁵. male farming

به نیروی کار دانش آموخته‌تر، ظرفیت بخش کاربری را کاهش داده و توسعه‌ای که در صنایع رخ می‌دهد منجر به تقاضای بیشتر برای نیروی کار مردان می‌شود. بدین ترتیب زنان به حاشیه تولید رانده می‌شوند و به عنوان نیروی کار ارزان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که پیامدهای توسعه تکنولوژیک عمدتاً برای زنان موجب از دست رفتن اشتغال سنتی آنان است (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). بسیاری از جوامع پیرامونی و از جمله ایران، نوعی فرآیند سریع انتقال تکنولوژی را تجربه کرده‌اند. این امر در نقاط شهری بسیار مشهود است اما به یقین نقاط روستایی نیز از این فرآیند تاثیر پذیرفته‌اند. این نکته مطرح است که آیا ورود تکنولوژی بر توانمندشدن زنان اثری بر جای می‌گذارد؟ به نظر سینگاروی تکنولوژی در کشورهای پیرامونی بر شکاف جنسیتی می‌افزاید و دسترسی زنان به منابع قدرت را کاهش می‌دهد و منجر به جابه‌جایی نیروی کار می‌شود (بزروف، همان؛ دادورخانی، همان: ۱۸۲). منجا یادآور می‌شود که عناصر فرهنگی فرصت استفاده از نهاده‌های تکنولوژیک از سوی زنان روستایی را کاهش داده و ضمن کاهش نقش‌های آنان، ایشان را فقیرتر می‌کند (Maneja, 2002).

ورود تکنولوژی در کشاورزی با پایین آمدن اشتغال زنان همراه است، زیرا از یکسو آنان دسترسی بسیار کمتری به آموزش‌های لازم برای بهره‌برداری از ابزارآلات نوین کشاورزی دارند و از سوی دیگر با توجه به ماهیت تکمیلی و نه پایه‌ای دستمزد آنان، با بالا رفتن فرصت‌های اشتغال و دستمزد برای مردان؛ ضرورت اشتغال زنان به شدت کاهش می‌یابد. شولتز معتقد است که در مورد شرایط تکنولوژیکی، توجه به مشخصات مربوط به گذشته از ضروریات است. این مشخصات از این قرار است:

- عوامل تولید کشاورزی در اختیار زارعین چه به وسیله خود آنان و چه به وسیله نسل‌های ماقبل، برای مدت طولانی استفاده شده و آموزش‌های تجربی نیز تغییر چشمگیری در آن ایجاد نکرده است.
- برای مدت طولانی دانستنی جدیدی چه از راه آزمون و خطا و چه از راه منابع دیگر به دست نیامده است.
- دانش که تشکیل دهنده قسمتی از دانش فنی است از طریق بیان شفاهی و عملی سینه به سینه نیز منتقل می‌شود (شولتز، ۱۳۷۰: ۲۹).

این مشخصات هم اکنون بیشتر در باره نوعی از کشاورزی که زنان در آن درگیر هستند دیده می‌شود. بسیاری از زنان در کشورهای پیرامونی به دانشی که نسل اندر نسل از محیط به دست آمده و سینه به سینه از مادر به دختر منتقل شده است، دسترسی دارند. این دانش را با علم کلاسیک و معارف نوین کاری نیست. از این روست که بسیاری معتقدند که مدرنیزاسیون و ورود تکنولوژی نوین و تبعات آن بر نقش و پایگاه زنان چندان مفید نمی‌افتد. وایت^۶ بر این باور است که در فرایند رشد ملی در بیشتر کشورها به ویژه در مراحل اولیه توسعه، پایگاه زنان تنزل کرده است و درجه دسترسی زنان به منابع مادی، منابع اجتماعی درون خانواده و همچنین جامعه محدود شده است (Loutfi, 1985: 11). همچنین تذکر داده می‌شود که در ابتدا تکنولوژی به سوی فعالیت‌های مردانه کشیده می‌شود. بدین ترتیب فعالیت‌های زنانه بیشتر کاربر است تا سرمایه بر (Ibid). از این رو انتظار می‌رود که در این منطقه نیز ورود تکنولوژی در صورتی که زنان توانایی‌های نوینی به دست نیاورند، آنان را هر چه بیشتر از عرصه فعالیت دور نموده و دسترسی آنان را به منابع قدرت به ویژه منابع مالی قدرت کاهش دهد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که هر

⁶. Whyte

چه بیشتر از نقش‌های تولیدی آنان کاسته می‌شود و بر نقش‌های خانگی آنان افزوده می‌شود. از این رو احتمالاً این مشاهده حکایت از حاشیه‌ای شدن نیروی کار زنان در کشاورزی دارد (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۷۴-۷۳).

توانمندشدن

توانمند شدن مفهومی پیچیده است که انتظار می‌رود در خلال فرآیند توسعه محقق شود. در باره این مفهوم تعاریف متعددی ارائه شده است که سطوح متفاوتی از جمله فردی (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۵۴)، اجتماعی و غیره را در بر می‌گیرد. مثلاً در تعاریفی به اعتماد به نفس و غلبه بر شرم تاکید شده است (فرخی، ۱۳۷۶: ۷۶؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۷) و در تعاریف دیگری بر دسترسی به منابع. به طور معمول سه عنصر در مفهوم توانمند شدن شناسایی شده است که عبارتند از منابع، عاملیت (زنان به عنوان بازیگران فرآیند تغییر دیده می‌شوند نه دریافت کننده صرف خدمات) و دستاوردها یا پیامدها (شکوری و دیگران، ۱۳۸۶: ۵).

با توجه به جنبه‌های متفاوت فرآیند توانمند شدن دیده می‌شود که مفهوم ریشه‌ای قدرت با این همه در ارتباط تنگاتنگ قرار می‌گیرد. بدین معنی که بدون درک مفهوم ریشه‌ای قدرت، به درستی قابل درک نخواهد بود. مفهوم قدرت همواره در علوم اجتماعی توجهات زیادی را به خود جلب کرده و به انحای گوناگون بدان پرداخته شده است. برخی از تعاریف بر دسترسی^۷ یک فرد یا گروه به این که فرد یا گروه دیگری را وادار کنند که کاری را بر خلاف میل خود انجام دهند، تاکید می‌کنند. این رویکرد بیشتر به این اندیشه گرایش دارد که میزان محدودی از قدرت وجود دارد و افزایش قدرت در یک فرد یا گروه به معنی کاهش قدرت فرد یا گروه دیگر است. بدین ترتیب چالش ویژه‌ای پیرامون عنصر قدرت در جوامع دیده می‌شود.

در رویکردی دیگر قدرت شامل نوعی عنصر تهدید کننده است. قدرت اقتصادی از جمله این قدرت‌ها است. برخی از چارچوب‌های قدرت خنثی هستند زیرا به نحوه توزیع قدرت و منابع آن در جامعه توجه نمی‌کنند. در دینامیک قدرت، قدرت جنسیتی، به طور جدی مدنظر قرار نمی‌گیرد. اما نکته آن است که در فرآیند توسعه، تمایل به بسط دیدگاه متفاوتی در باره قدرت و توانمندشدن وجود دارد. تعریف قدرت با واژه‌هایی مثل سلطه^۸ و اطاعت^۹ آن را در تضاد با دیدگاه‌هایی قرار داد که به حالت‌های مولد از قدرت توجه دارند. مثلاً قدرت برخی از مردم موجب فعالیت تحریک کننده^{۱۰}، در بین دیگران می‌شود. این نوع از قدرت ممکن است گروه را به سمت محقق کردن توانایی‌هایش هدایت کند بدون آن که تضاد علایق جدی در برنامه عمل گروه فراهم شود. بدین ترتیب افزایش قدرت یک فرد در گروه لزوماً به معنای کاهش قدرت دیگری نیست. لیز کلی^{۱۱} معتقد است که این نوع از قدرت که او از آن با عنوان "قدرت برای"^{۱۲} یاد می‌کند، است که در پایان فرآیند توانمندشدن بدان دست خواهیم یافت.

7. Availability

8. dominance

9. obedience

10. stimulating activity

11. Liz Kelly

12. power to

به نظر می‌رسد که توانمندشدن به طور مستقیم با تفسیر استفاده‌کننده از قدرت، مربوط است. نظریه پردازانی که به وضعیت زنان توجه دارند در این باره به ستم درونی شده اشاره می‌کنند و یادآور می‌شوند که این ستم درونی شده توانایی مشارکت گروه‌های کمتر قدرتمند را در تصمیم‌سازی‌های رسمی و غیررسمی تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدین ترتیب به زعم آنان توانمند شدن بیش از دسترسی متکی بر همکاری، متکی به منابع قدرت است. از این رو می‌توان گفت که توانمندشدن سطحی مهم از توسعه شخصی^{۱۳} است. از خلال درگیر شدن در این فرآیند، مردمی که بی‌قدرت هستند، الف) از مکانیسم قدرت در زمینه زندگی‌شان آگاه می‌شوند. ب) مهارت‌ها و ظرفیت‌هایی را برای نیل به حدی از کنترل منطقی بر زندگی‌شان به دست می‌آورند. ج) اعمال این کنترل بدون تضییع حقوق دیگران (د) از توانمندشدن دیگران در اجتماع محلی حمایت می‌کنند؛ برخوردار می‌شوند (Rowlands, 1995: 102-103).

جان کنت گالبرایت سه نوع قدرت را باز می‌شناسد. به زعم او قدرت می‌تواند کیفردهنده^{۱۴}، پاداش‌دهنده^{۱۵} و قدرت شرطی^{۱۶} باشد. آن چه که در این مقاله مورد توجه است قدرت پاداش‌دهنده است زیرا دسترسی به منابع اقتصادی در این بخش دسته بندی می‌شود. به زعم گالبرایت مالکیت و ثروت شرایطی به فرد می‌دهد که می‌تواند موجب اطاعت شود. به عبارت دیگر مالکیت و درآمد می‌تواند وسیله جلب اطاعت شود (گالبرایت، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۰).

با توجه به آن که در این رویکرد مفهوم قدرت با تفسیر فردی که از آن استفاده می‌کند، مرتبط است می‌توان نتیجه گرفت که توانمندشدن همواره باید در پس زمینه اجتماعی فرهنگی مدنظر قرار گیرد. بدین ترتیب این فرآیند با روابط و شبکه‌های موجود در پس زمینه اجتماعی، مرتبط است. زیرا بخش بزرگی از تفسیر فرد از قدرت از این شرایط زمینه‌ای متاثر است. از این رو به نظر می‌رسد که در شرایط فرهنگی اجتماعی موجود در مناطق روستایی شمال ایران زنان شالیکار امکان اندکی برای دستیابی به ابزار و آلات کشاورزی دارند. از این رو با افزایش میزان استفاده از این ابزارها، نقش زنان در کشاورزی کاهش می‌یابد.

روش تحقیق

توجه به تکنولوژی و تحول آن از دوره‌های آغازین دانشجویی ذهن پژوهشگر را به خود مشغول کرده بود. در این پژوهش به کارگیری ابزارهایی که تکنولوژی مدرن در اختیار کشاورزان، به ویژه زنان قرار می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما این که چه کسی از این ابزارها استفاده می‌کند، به عناصر فرهنگی‌ای که در منطقه حاکم است، مربوط می‌شود. عناصری از قبیل ارث، امکانات مالی و غیره نیز در به کارگیری این ابزارها تاثیرگذار هستند. از این رو با توجه به کند بودن این فرآیند، پژوهش نیز در خلال مدت زمانی طولانی انجام شده است. نکته اساسی در این پژوهش شناخت نقش‌ها و نیز ابزارهایی است که برای اجرای این نقش‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته یا می‌گیرد. این پژوهش حاصل مطالعه‌ای طولانی مدت است. آغاز این مشاهده به سال‌های آغازین دهه هفتاد برمی‌گردد.^{۱۷} در

¹³ personal development

¹⁴ condign power

¹⁵ compensatory power

¹⁶ conditioned power

^{۱۷} - حاصل این مشاهده به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در سال هفتاد و سه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ارائه شد.

سال‌های پس از آن ضمن توجه به روند تغییرات، که البته به کندی صورت گرفت، به تاثیر نهاده‌های تکنولوژی بر توانمند شدن زنان نیز توجه شد. با توجه به طولانی بودن مدت مشاهده، روش مطالعه کیفی برای انجام این پژوهش انتخاب شد (فلیک، ۱۳۸۸). با توجه به این که منطقه مورد پژوهش موطن پژوهشگر بود، این امکان که او به طور ثابت و مداوم به آن بازگشته و رابطه پایداری با اجتماع محلی برقرار نماید، موجود بود. از این رو از اوایل دهه هشتاد به طور متناوب - در فصل کار و غیر آن - در منطقه حاضر شده و با زنان شالیکار گفتگو شده است. در طی این سال‌ها با حدود ۲۰۰ زن مصاحبه شده است^{۱۸}. مصاحبه‌ها از نوع نیمه ساخت یافته بود. شهرستان آستانه اشرفیه و روستاهای آن بیش از ۲۲۰ کارخانه برنجکوبی را در خود جای داده است. به طور معمول زنان وارد این محیط نمی‌شوند. از این رو به عنوان یک زن گفتگو با کارخانه دارها چندان کار آسانی نبود. از این رو با توجه به محدودیت‌های موجود، از ۵ کارخانه برنجکوبی بازدید و با مدیران آنها مصاحبه شد. همچنین با حدود ۱۵ نفر از کشاورزان مرد ساکن منطقه نیز مصاحبه شد.

برنجکاری و تقسیم جنسیتی نقش‌ها

دکتر محمد معین و علی اکبر دهخدا معتقدند که برنج را از هند به ایران آورده‌اند و به همین دلیل نام شلتوک از "چلتوی" هندی گرفته شده و در گیلان و مازندران کشت شده است. استاد پورداد نیز معتقد است که موطن اصلی برنج که در گویش گیلکی به آن "بج" می‌گویند، سرزمین چین بوده و از آن جا به هندوستان و سپس به ایران آورده شده است (فهیمی فر، ۱۳۶۴: ۴۳۴).

آستانه اشرفیه یکی از شانزده شهرستان استان گیلان است که دارای جمعیتی برابر با ۱۰۸۰۹۲ تن است. جمعیت ساکن در مناطق روستایی این شهرستان برابر است با ۵۷۹۵۷ تن است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). این شهرستان با توجه به نوع خاک و ارتفاع زمین، از مهمترین و مناسب ترین مناطق ایران و از مراکز کشت برنج کشور است. اغلب مناطق روستایی شهرستان آستانه اشرفیه به کشت برنج می‌پردازند. مراحل کشت برنج در این منطقه به شرح زیر است:

۱. مرزبندی، شخم و آماده سازی زمین شالیزار برای کشت نشا. این نقش از دیرباز توسط مردان اجرا می‌شد و کماکان مردان عهده دار آن هستند. در سال‌های اخیر تمایل به یکی کردن اراضی و کاهش سطوح مرزبندی شده دیده می‌شود.

۲. تیغ زدن زمین: این فعالیت نیز مردانه است. تیغ زدن در گذشته‌های دور با استفاده از خیش و بهره گیری از نیروی گاو انجام می‌شد، بعدها اسب جانشین نیروی گاو شد. لازم به ذکر است که سال‌هاست (شاید اندکی بیش از بیست سال) که ماشین جای نیروی عضلانی حیوانات را گرفته است. این مرحله دو بار تکرار می‌شود که اصطلاحاً آن را کار دوم و سوم می‌نامند. به طور معمول هیچ زنی این کار را برعهده ندارد. در مواردی که مردان خانواده مایل به انجام این فعالیت نبوده و یا مردی برای انجام این بخش از فعالیت حضور نداشته باشد از نیروی کار مزدبگیر مرد استفاده می‌شود.

^{۱۸} - مایلم از زبانی یاد کنم که اولین مصاحبه‌ها با آنان شروع شد و هم اکنون دیگر در قید حیات نیستند. آنان با من از گذشته‌هایی صحبت کردند که بسیاری آن را به خاطر نمی‌آوردند.

۳. لت زدن: این فعالیت نیز مردانه است و به منظور صاف و هموار کردن زمین شالیزار انجام می‌شود. در پایان این مرحله زمین شالیزار کاملاً صاف، هموار و نرم بوده و آماده نشا می‌شود. در گذشته‌های دور مردان با استفاده از اسب و لت (ابزاری که با استفاده از چوب و توسط صنعتگر محلی ساخته می‌شد) این کار را انجام می‌دادند. بعدها تیلر و گاه کمباین (کمباین اخیراً وارد شده است) جای آن را گرفت.
۴. آماده کردن تخم شالی برای نشا. این فعالیت عمدتاً زنانه است. این مرحله به فراهم کردن تخم شالی سالم و مرغوب مربوط است. به عبارت دیگر هر چه تخم برنج مورد استفاده سالم تر، مرغوبتر و عاری از انواع نامرغوب باشد، امید بیشتری به فراهم شدن محصول خوب در سال زراعی موجود خواهد بود. از این رو مردان برای تهیه تخم شالی مرغوب و ذخیره آن از سال پیش با زنان همکاری می‌کنند. مروجین زن وزارت جهاد کشاورزی در این زمینه به زنان آموزش می‌دهند اما ابزار جدیدی در این باره وارد نشده است.
۵. آماده کردن زمین خزانه نشا که توسط زنان و با دست انجام می‌شود. بخشی از زمین شالیزار که هموار بوده و از وضعیت مناسب و آب خوبی برخوردار است و معمولاً به خانه نزدیک است مشخص شده و برای خزانه نشا مورد استفاده قرار می‌گیرد. سپس تخم شالی در این محل پاشیده شده و نشاهای برنج آماده می‌شود.
۶. نشا کردن که عمدتاً در منطقه به شیوه سنتی و توسط زنان صورت می‌گیرد. به دلیل کوچک بودن قطعات زمین کشاورزی، امکان استفاده از ماشین‌چندان آسان نیست و تنها در یکی دو سال اخیر مواردی از استفاده از ماشین گزارش شده است. حمل نشاها به محل شالیزار ممکن است توسط زنان و یا مردان انجام شود. مردان در حمل و نقل شالی‌ها ممکن است از ماشین استفاده کنند اما زنان معمولاً به شیوه سنتی و با گذاشتن ظرف حاوی نشاها روی سر آن را حمل می‌کنند.
۷. وجین، و وجین مجدد. به شیوه سنتی و توسط زنان انجام می‌شود.
۸. درو و برداشت برنج که هم اکنون توسط کمباین انجام شده و پس از درو برنج در همان محل دانه‌ها از ساقه جدا شده و به کارخانه منتقل می‌شوند. این کار عمدتاً توسط مردان انجام می‌شود. اگر گاه زنی در این میان دیده شود بیشتر به جمع آوری پوشال‌ها می‌پردازد و کار با دستگاه برعهده مردان است. ورود کمباین چندین مرحله از کار را کاهش داده و زنان را تقریباً از چرخه این مجموعه از فعالیت‌ها خارج کرده است. هم اکنون برخی از افراد که ممکن است صاحب زمین شالیکاری هم نباشند با خرید کمباین و اجاره دادن به کشاورزان در فصل برداشت برنج درآمد خوبی کسب می‌کنند. از این رو این مرحله به طور کلی در منطقه با استفاده از ماشین و عمدتاً توسط مردان انجام می‌شود. در نگاهی به گذشته می‌بینیم که زنان نقش فعالی در این بخش داشتند که هم اکنون با ورود تکنولوژی بسیار کم‌رنج شده است.
۹. خشک کردن برنج در گذشته در محلی به نام گرمخانه انجام می‌شد. گرمخانه‌ها معمولاً در حیاط محل سکونت خانواده ساخته می‌شد. برنج با همکاری زنان و مردان در گرمخانه انبار شده و سپس زنان مراقبت کرده تا آتش در گرمخانه همواره روشن بماند و بر مراحل خشک شدن برنج نظارت می‌کردند. با ورود تکنولوژی، کارخانه‌های برنجکوبی همچنان به خشک کردن برنج می‌پردازند. به عبارت دیگر کارخانه‌های برنج خشک کنی و برنج کوبی در منطقه ایجاد شده است. در کارخانه محل‌های ویژه‌ای تعبیه شده است که برنج در آن انبار شده و سپس در معرض حرارت بسیار بالا قرار می‌گیرد.

۱۰. سفید کردن برنج که در گذشته توسط زنان انجام می‌شد، هم اکنون در کارخانه‌های برنجکوبی صورت می‌گیرد. نکته مهم آن است که کارگران کارخانه مرد بوده و زنان به این فضا وارد نمی‌شود. برنج سفید معمولاً در همان محل کارخانه به فروش می‌رسد. به عبارت دیگر کارخانه نوعی بازار عرضه برنج نیز هست.

کارخانه‌های برنج کوبی در دهه ۳۰ وارد منطقه شدند. کارخانه برنج خشک کنی نیز در دهه ۴۰ در منطقه مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این کارخانه‌ها معمولاً در نزدیک مناطق روستایی احداث می‌شوند تا دسترسی به آن برای روستاییان آسان باشد. این کارخانه‌ها در گذشته برای بلند کردن و خالی کردن کیسه‌های شلتوک و برنج سفید نیاز به قدرت مردانه داشتند اما با رشد فنآوری، هم اکنون نیروی بدنی انسان به کار نمی‌رود و عمده فعالیت‌ها با دستگاه انجام می‌شود. اما نکته جالب آن است که کماکان تمام کارکنان این کارخانه‌ها از بین مردان بوده و هیچ زنی وارد این فضا^{۱۹} نمی‌شود.

مدیران کارخانه‌های برنجکوبی نقش ویژه‌ای در زندگی اقتصادی اهالی محل ایفا می‌کنند. این کارخانه‌ها حدود نیمی از سال را عملاً فعال نیستند اما در همان هنگام هم ممکن است محل نگهداری برنج روستاییان باشند. مدیر کارخانه همچنین معمولاً مرجعی برای قرض گرفتن پول در فصل بیکاری است. از این رو رابطه مدیر کارخانه و مردان روستا بسیار تنگاتنگ است. او منبع مالی‌ای است که روستاییان در فصل زمستان برای دریافت وام‌های خرد به او مراجعه می‌کنند. او همچنین معمولاً خریدار اصلی برنج محلی‌هاست. این مدیران همواره از بین مردان هستند. به طور معمول زنان مالک کارخانه برنج کوبی نیستند. در سطح منطقه یک کارخانه که زمانی صاحب آن یک زن بود هنوز هم به نام "کارخانه خانم" معروف است. نکته مهم آن است که با وجود مالکیت کارخانه، این بانو نیز کارخانه را خود اداره نمی‌کرد. همان طور که پیش از این یادآور شدیم زنان به طور معمول به کارخانه وارد نمی‌شوند. با وجود آن که تکنولوژی، کار در کارخانه را بسیار ساده نموده و هم اکنون به راحتی امکان استفاده از کارکنان زن در کارخانه‌ها موجود است اما مدیران کارخانه‌ها می‌گفتند که به هیچ وجه زنی را حتی به عنوان منشی در کارخانه‌ها استخدام نخواهند کرد. یکی از آنان گفت: "من ترجیح می‌دهم خواهرم در خانه بنشیند و یا بی پول باشد تا این که در کارخانه برنجکوبی کار کند." برای او پرسش‌های من در باره کار زنان در کارخانه برنجکوبی ناپذیرفتنی و غیرقابل قبول بود. کارکنان و مدیران کارخانه و همچنین مردان محلی به شدت از مردانه بودن فضای کارخانه‌های برنج کوبی حفاظت می‌کنند. آنان معتقدند که این فضا مردانه است و شایسته نیست زنی در آن حضور داشته باشد. البته ظاهراً کار در کارخانه برای کارگران درآمدهای جنبی دارد که حاصل حضور در کارخانه است. آن‌ها می‌گویند که هم اکنون زنان از نظر جسمی قادر به کار کردن در این اماکن هستند اما فضا مردانه است و به هیچ وجه شایسته نیست که زنی در کارخانه‌های برنج کوبی کار کند.

زنان صاحب شالی نیز معمولاً به کارخانه مراجعه نمی‌کنند. این قبیل زنان در صورت نیاز به مراجعه به کارخانه، معمولاً یکی از مردان محرم را با خود همراه می‌کنند. به عنوان شاهد مثال زنی که صاحب محصول بود و به دلیل درخواست طلاق از همسرش مایل نبود که او کنترل محصول برنج را به دست بگیرد و برای مراجعه به

^{۱۹} - هنگامی که با همراهی همسرم از چند کارخانه برنج کوبی بازدید کردم همواره با نگاه‌های متعجب و کنجکاو کارگران از مشاهده یک زن در کارخانه برنج کوبی مواجه می‌شدم.

کارخانه پسر ارشد خود را که یک دانش آموز بود با خود همراه کرده بود. همچنین اگر زنی دلیل قابل قبولی داشته باشد که همسر او نباید کنترل منابع مالی ناشی از فروش برنج را در اختیار داشته باشد (مواردی از قبیل معتاد بودن همسر) معمولاً در نزدیکی کارخانه، مدیر را ملاقات و در این باره با او گفتگو می‌کند. مدیر کارخانه معمولاً به صلاحدید خود بخشی از قیمت برنج را در اختیار مرد گذارده و قسمتی را نیز در اختیار همسر او قرار می‌دهد. این مجموعه روابط مردانه دسترسی زنان به منابع اقتصادی حاصل از فروش برنج را محدود می‌کند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که دسترسی زنان به قدرت تشویق کننده در منطقه به شدت محدود شده و توانمندی اقتصادی آنان چندان ممکن نیست.

شایان توجه است که از گذشته‌های دور عرضه برنج به بازار از جمله فعالیت‌های مردانه بود اما با توجه به آن که زنان کار سفید کردن برنج را انجام می‌دادند همواره سهم کوچکی از برنج در اختیار آنان بود. این میزان برنج سفید برای زنان یک منبع مالی فراهم می‌کرد که در کنار مرغ، تخم مرغ، و ابریشم (زنان مسئول تبدیل پيله به نخ ابریشم بودند) به فروشندگان دوره‌گرد می‌فروختند، امکانات مالی ای را برای آنان فراهم می‌کرد که می‌توانستند مستقل از همسر خود در باره آن تصمیم بگیرند. بدین ترتیب عملاً آنان امکانات مالی خود را از دست دادند و امکانات مالی جایگزینی برای آنان فراهم نشد. ورود تکنولوژی میزان کار سالانه آن‌ها را در شالیکاری کاهش داد. نقش‌های آنان تغییر کرد و برخی از وظایف آنان برعهده مردان قرار گرفت و به همراه این رخدادها امکانات مالی در دسترس آنان نیز محدود شده است.

جدول ۱- فعالیت‌های انجام شده در یک فصل کاری قبل از اصلاحات ارضی بر حسب فصل و جنس

فصل	جنس	فعالیت‌ها
بهار	مرد	دامداری- شخم باغ- شخم و آماده سازی شالیزار- مرزبندی خزانه- کندن چاه- همکاری در نگهداری کرم ابریشم در مراحل گوناگون آن- همکاری در کاشت کنف و توتون- همکاری در ساختن سد- نگهبانی از خزانه نشا و شالیزار- نگهداری باغ توت و هرس کردن آن- نگهداری کرم ابریشم در مرحله دوم
	زن	صاف و هموار کردن زمین باغ- کاشت انواع محصولات باغی- آماده کردن شلتوک برای خزانه نشا- صاف و هموار کردن زمین خزانه نشا- نگهداری از تخم‌های نوغان در دو مرحله- کندن نشا و نشای آن در شالیزار- وجین- وجین مجدد- برداشت پيله- ابریشم کشی- تهیه محصولات و فرآورده‌های دامی
تابستا	مرد	همکاری در چیدن برگ‌های توتون- نظارت بر آبیاری شالیزار- همکاری در برداشت پيله ابریشم- برداشت کنف- درو برنج- برداشت انگور و گردو- درو گندم- عرضه کنف به بازار- عرضه پيله به بازار

ن	زن	وجین و وجین مجدد شالیزار- برداشت محصولات باغی- برداشت برگ توتون- برداشت پیله و ابریشم کشی- سوزن زدن برگ توتون- حصیر بافی و بافتن ریسمان- پاک و خشک کردن محصولات باغی- درو گندم و جدا کردن پوشال‌های آن- سفید کردن گندم- آرد کردن گندم- برداشت کنف و آماده سازی آن- درو برنج- برداشت بادام- فراوری انگور- تهیه فرآورده‌های دامی
پاییز	مرد	درو برنج- صاف کردن برگ‌های توتون- شخم و آماده سازی مزرعه گندم- انبار کردن برنج- خشک کردن برنج- همکاری بسیار محدود در سفید کردن برنج- نگهداری از دام‌ها- عرضه محصولات به بازار و خرید- چیدن انگور
	زن	درو برنج- صاف کردن برگ‌های توتون- کاشت گندم- انبار کردن و خشک کردن برنج- جدا کردن شلتوک و سفید کردن برنج- تهیه فرآورده‌های لبنی
زمستان	مرد	همکاری محدود در جدا کردن پوست شلتوک- نگهداری از دام- تهیه هیزم- عرضه برنج به بازار- شروع شخم زمین از اوایل اسفند
	زن	جدا کردن دانه‌های شلتوک- جدا کردن پوست شلتوک- سفید کردن برنج- ساختن طبق‌های گلی- تهیه فرآورده‌های لبنی- خیاطی- شروع کار باغداری از نیمه اسفند ماه

جدول ۲- فعالیت‌های انجام شده در یک فصل کاری در اوایل دهه هفتاد

فصل	جنس	زمینه‌های فعالیت
بهار	مرد	شخم، مرزبندی، و آماده سازی زمین شالیزار- شخم و مرزبندی خزانه نشا- همکاری در نگهداری کرم ابریشم- همکاری در چیدن پیله کرم ابریشم- همکاری در کندن و حمل نشا- رسیدگی به دام‌ها
	زن	آماده سازی زمین باغ- آماده سازی تخم نشا- همکاری در آماده سازی خزانه نشا- مراقبت و نگهداری خزانه- کندن و حمل نشا به شالیزار- نشا- وجین و وجین مجدد در باغ و شالیزار- نگهداری کرم ابریشم و چیدن پیله‌ها- رسیدگی به دام‌ها- تهیه مواد لبنی

همکاری در برداشت پیله- عرضه پیله به بازار- همکاری در درو برنج- خرمن کردن برنج- عرضه محصولات باغی به بازار	مرد	تابستا ن
همکاری در برداشت پیله- همکاری در درو و انبار کردن برنج- برداشت محصولات باغی	زن	
جدا کردن شلتوک برنج از پوشال- انتقال دانه‌های شلتوک به کارخانه برنج خشک کنی و برنج کوبی- عرضه محصول نهایی به بازار- عرضه بادام به بازار	مرد	پاییز
برداشت بادام- پاک و دانه کردن بادام	زن	
شخم باغ در اواخر زمستان	مرد	زمستا ن
کاشت پیاز	زن	

جدول ۳- فعالیت‌های انجام شده در یک فصل کاری با تکنولوژی ابتدایی

مرد		زن			جنس مراحل کار	
نیروی حیوان	نیروی بدنی	ابزار	نیروی کمکی	نیروی بدنی زن		ابزار
گاو نر و بعدها اسب	*	خیش و به ندرت بیل	---	---	---	شخم
اسب	*	لت	---	---	---	تسطیح و مرزبندی
---	*	داس و بیل	---	---	---	آبیاری
---	*	---	---	*	زنیل	آماده کردن شلتوک برای تخم پاشی
گاو نر و بعدها اسب	*	خیش و گاهی بیل	---	---	---	شخم و آماده سازی خزانه
---	---	---	---	*	---	تسطیح خزانه
---	---	---	---	*	---	نشا
---	---	---	---	*	---	وجین و وجین مجدد
---	*	داس مخصوص	---	*	داس مخصوص	درو
اسب	*	چوب مخصوص	---	*	---	حمل به انبار

	*			*		انبار کردن
	*	بخاری هیزمی		*	بخاری هیزمی	خشک کردن
---	---	---	---	*	چوب سرکج (جاکو)	جدا کردن شلتوک از پوشال
---	گاه	پادنگ	---	*	پادنگ (پاتنگ)	سفید کردن برنج

جدول ۴ - فعالیت‌ها بر حسب جنس با استفاده از برخی نهاده‌های تکنولوژی مدرن در اوایل دهه هفتاد

مرد			زن			جنس / مراحل کار
نیروی حیوان	نیروی بدنی	ابزار	نیروی حیوان	نیروی بدنی	ابزار	
---	*	موتور	---	---	---	شخم
اسب	*	لت	---	---	---	تسطیح
---	*	بیل	---	---	---	مرزبندی
---	*	---	---	---	---	آبیاری
---	گاه	---	---	*	زنبیل	آماده کردن تخم
---	*	موتور	---	---	---	شخم و آماده سازی خزانه
---	---	---	---	*	---	تسطیح خزانه
---	*	ظرف	---	---	---	کودپاشی
---	---	---	---	*	---	نشا
---	---	---	---	*	---	وجین - وجین مجدد
---	*	سم پاش	---	---	---	سم پاشی
---	*	داس ویژه	---	*	داس ویژه	درو
اسب	*	گاه تیلر	---	---	---	حمل به انبار
---	*	---	---	*	---	انبار کردن
---	*	خرمنکوب	---	*	---	خرمن کردن
---	*	وانت	---	---	---	حمل به کارخانه
---	*	کارخانه	---	---	---	سفید کردن

جدول ۵ - فعالیت‌ها بر حسب جنس با استفاده از برخی نهاده‌های تکنولوژی مدرن در پایان دهه هشتاد

مرد			زن			جنس
نیروی حیوان	نیروی بدنی	ابزار	نیروی حیوان	نیروی بدنی	ابزار	

مراحل کار						
---	*	موتور	---	---	---	شخم
اسب	*	لت	---	---	---	تسطیح
---	*	بیل	---	---	---	مرزبندی
---	*	---	---	---	---	آبیاری
---	گاه	---	---	*	زنبیل	آماده کردن تخم
---	*	موتور	---	---	---	شخم و آماده سازی خزانه
---	---	---	---	*	---	تسطیح خزانه و آماده سازی
---	*	ظرف	---	---	---	کودپاشی
---	*	ماشین نشا ^{۲۰}	---	---	---	نشا
---	---	---	---	*	---	نشا
---	---	---	---	*	---	وجین - وجین مجدد
---	*	سم پاش	---	---	---	سم پاشی
---	*	داس ویژه - گاه کمباین ^{۲۱}	---	*	داس ویژه	درو
---	*	کمباین	---	* ^{۲۲}	---	درو و آماده سازی برای انتقال به کارخانه

^{۲۰} - در سال های اخیر روند رو به افزایشی در استفاده از ماشین نشا در منطقه دیده می شود. این امر به ویژه در زمین هایی که چندان گود نیستند با سهولت هر چه بیشتر انجام می شود. در صورت استفاده از ماشین، معمولاً استفاده از خزانه حذف می شود. آماده سازی نشا برای استفاده ماشین تمایل به استفاده از کشت گلخانه ای را افزایش می دهد. در این صورت حجم کار زنان به شدت کاهش می یابد چون مرحله آماده سازی تخم حذف شده و همچنین نیاز به آماده کردن خزانه نشا هم نیست. ماشین به طور معمول توسط مردان رانده می شود از این رو زنان در صورت استفاده از ماشین نشا کار، از این مرحله از کار خارج می شوند.

^{۲۱} - در زمین هایی که خیلی گود نیستند از کمباین برای درو برنج استفاده می شود. این امر در این منطقه چندان مرسوم نشده است اما مواردی دیده می شود. علت عدم استفاده از کمباین کوچک بودن قطعات و همچنین گود بودن آنها است.

^{۲۲} - نقش زنان با ورود این دستگاه ها به شدت کاهش یافته است و معمولاً پس از درو برنج، کاری برای انجام دادن ندارند. در مواردی که بانوان دیده می شوند به عنوان نیروی کمکی و برای نگه داشتن کیسه جمع آوری کننده پوشال ها از آنان استفاده می شود.

---	*	وانت	---	---	---	حمل به کارخانه
---	*	کارخانه	---	---	---	سفید کردن

داده‌های سه جدول یاد شده حکایت از روند شدید کاهشی در نقش‌های زنان در کشاورزی دارند. این جداول همچنین به روشنی نشان از ورود تکنولوژی در کشاورزی منطقه دارند. تکنولوژی مدرن که قابل به کارگیری در شالیزار بود به مراتب کندتر از تکنولوژی‌ای که به فراوری برنج در بیرون از شالیزار موثر است، به کار گرفته شده است. کوچک بودن زمین‌های شالیزار و تسلط نظام خرده مالکی در منطقه می‌تواند در این باره موثر باشد. از این رو تکنولوژی نوین عمدتاً در مرحله برداشت مورد استفاده قرار گرفته و مرحله کاشت چندان از این تغییرات بهره‌مند نشده است. اگر چه در سال‌های اخیر به طور محدود از دستگاه کاشت برنج نیز استفاده شده است. این دستگاه نیز توسط مردان بهره‌بردار شده است از این رو می‌توان گفت که زنان نقش‌های سنتی خود را در بخش کاشت برنج حفظ کرده‌اند. بدین ترتیب معمولاً تکنولوژی به کار گرفته شده، در عرصه‌های فعالیت مردانه دیده می‌شود. در صورت زنانه بودن فعالیت نیز با ورود تکنولوژی نوین، کاربر آن از بین مردان بوده و فعالیت از نظر جنسیتی تغییر می‌کند.

در سال ۱۳۷۲ با ۱۲۷ زن از روستای گوهردان مصاحبه شد. هیچ یک از آنان هرگز یک تیلر را نرانده، با استفاده از موتور زمین شالیزار را شخم نزده، پشت دستگاه خرمکوب نایستاده و برنج را به کارخانه حمل نکرده بود. حتی زنانی که صاحب زمین بوده و یا سرپرست خانوار بودند، خود به فروش محصول برنج اقدام نکرده و از همکاری یکی از بستگان مرد بهره‌مند بودند. ۳۶ زن در این سال مالک زمین بودند، اما تنها ۸ تن از آنان مدیریت امور مربوط به زمین خود را به عهده داشتند (علیرضائزاد، ۱۳۷۳: ۳۵۲). در سال ۱۳۹۰ بر تعداد زنان مالک زمین اندکی افزوده شده بود و به حدود ۴۲ نفر رسیده بود اما کماکان تعداد زنانی که راساً زمین خود را اداره می‌کردند افزایش نیافته بود. همچنین هیچ زنی اعلام نکرد که به طور معمول از ماشین آلات کشاورزی برای انجام نقش‌ها و وظایف سنتی زنانه و یا مردانه استفاده کرده است. کماکان دختران روستایی مایلند از طریق ازدواج از روستا خارج شده و در مناطق شهری ساکن شوند. تعداد دخترانی که دارای تحصیلات دانشگاهی شده‌اند کماکان بخش اندکی از جامعه زنان روستا را تشکیل داده است اما آنان نیز نهایتاً با ازدواج از منطقه خارج شده‌اند. تنها دو مورد از دختران بودند که پیش از ازدواج و به دلیل مسائل شغلی از منطقه خارج شده و سپس ازدواج کرده‌اند. نکته آن است که دختران معمولاً مهارت‌هایی از قبیل خیاطی یا بافندگی و آرایشگری را کسب کرده اما زنی دیده نمی‌شود که در زمینه ماشین آلات کشاورزی به مهارت دست یافته باشد. تعداد محدودی از این زنان دارای گواهینامه رانندگی هستند اما با وجود استفاده از خودروی سواری، معمولاً از ماشین آلات کشاورزی استفاده نمی‌کنند. این که چه کسی استفاده کننده از ماشین آلات کشاورزی است به نحو ویژه‌ای تحت تاثیر عناصر فرهنگی است. این نکته جالب به نظر می‌رسد که رانندن خودروی سواری برای زنان پذیرفته است اما در همان حال رانندن ماشین آلات کشاورزی نهی می‌شود. به نظر می‌رسد این به معنی آن چه که زنانه و آن چه که مردانه تلقی می‌شود مربوط باشد. این امر یادآور مقاله‌ای است که یادآور می‌شد برای زنان عرب شترسواری پذیرفته است اما رانندن اتومبیل نه (Al Faisal, 2011). به

نظر می‌رسد که مفهوم زنانه معنایی عمیق‌تر از مفاهیمی مثل ابزارآلات مدرن و یا سنتی را در بر می‌گیرد. گاه استفاده از ابزارهای سنتی تشویق نمی‌شود و گاه بهره‌برداری از ابزارهای مدرن.

در مجموع می‌توان گفت که اگر چه ورود تکنولوژی نوین کار را برای کشاورزان برنج کار آسان کرده‌است و - به ویژه در مورد زنان - یک فصل کاری را از حدود ۱۳ ماه^{۲۳} در سال به کمتر از شش ماه کاهش داده و از سختی کار آنان کاسته‌است اما در عین حال همچنان که صاحب‌نظران توسعه یادآور می‌شوند، نقش‌های آنان را کاهش داده و دسترسی آنان به منابع قدرت را - به ویژه قدرت تشویق‌کننده مالی - محدود کرده‌است. ورود تکنولوژی در هر بخش از کار، زنان را بیکار کرده و از آن بخش از کار خارج کرده‌است. آنان در بخش‌هایی کار می‌کنند که کماکان به شکل سنتی اجرا می‌شود. آمارهای رسمی نیز این نتیجه‌گیری را تایید می‌کنند. گزارش مرکز آمار حکایت از آن دارد که میزان مشارکت اقتصادی زنان در استان گیلان در سال ۱۳۸۷ برابر با ۲۳.۳٪ است که نسبت به سال قبل ۱۰٪ کاهش نشان داده‌است. نرخ بیکاری مردان در این استان برابر با ۱۱.۱ درصد است در حالی که میزان بیکاری زنان در این استان برابر است با ۲۰.۷ درصد که تفاوت معنی‌داری را به نمایش می‌گذارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹: ۱۲).

نکته مهم آن است که ورود تکنولوژی و آزاد شدن وقت زنان شالیکار، با فراهم آوردن فرصت‌های نوینی برای دسترسی به منابع قدرت همراه نبوده‌است. آنان منابع قدرت تشویق‌کننده خود که عبارت بود از: منابع مالی محدود و شبکه روابط گسترده، را از دست دادند اما به جای آن منابع جدیدی قرار نگرفته‌است. از این رو به نظر می‌رسد توانمندشدن زنان و دسترسی آنان به منابع قدرت عملاً کاهش یافته‌است و با توجه به سطح نازل تحصیلات و محدودیت فرصت‌های شغلی، آنان عمدتاً به زنان خانه‌دار تبدیل شده‌اند. فرصت‌های اشتغال در بازار مدرن با توجه به سطح نازل تحصیلات برای زنان روستایی معمولاً به عنوان یک گزینه جایگزین مطرح نیست. از این رو آنان در صدد ازدواج با مردانی هستند که در مناطق شهری ساکن هستند. عدم تمایل به کار در شالیزار و از دست دادن بسیاری از نقش‌های سنتی زنانه به دلیل ورود تکنولوژی از توانمندی آنان کاسته و دسترسی آنان به عرصه‌های قدرت را کاهش می‌دهد.

جمع بندی

این پژوهش با این پرسش اصلی انجام شده است که ورود تکنولوژی به عرصه فعالیت‌های تولیدی، بر زنان برنجکار شمالی ایران چه تاثیری برجای می‌گذارد؟ آیا ورود تکنولوژی مدرن زنان شالیکار را توانمندتر از پیش می‌کند؟ با وجود تعاریف متفاوت از توانمندی، در این پژوهش عمدتاً بر توانمندی اقتصادی و دسترسی زنان به منابع قدرت تکیه شده‌است. با توجه به نظریات استر بزرگ و پژوهش‌هایی که با اتکای به نظریات او در مناطق گوناگون انجام شده‌است، این گونه فرض شده است که ورود تکنولوژی تعادل نقش‌های تولیدی را به نفع مردان تغییر داده و زنان را هر چه بیشتر به حاشیه فعالیت‌های تولیدی براند. برای پاسخ دادن به این پرسش، مطالعه‌ای عمیق و طولانی مدت که زمانی بیش از ۱۵ سال مشاهده مکرر را در پی داشت انجام شد. در خلال این سال‌ها

^{۲۳} - بدین معنی که با شروع فصل کاری جدید هنوز فعالیت‌های فصل پیشین به پایان نرسیده و دست کم یک ماه بعد هم ادامه می‌یافت.

پژوهشگر ضمن انجام مصاحبه‌های متعدد با دست اندرکاران گوناگون در شالیکاری، به مشاهده نیز دست یازیده است.

حاصل این مشاهدات حکایت از آن دارد که در شرایط سنتی زنان از ابزارهای ویژه‌ای استفاده می‌کردند که با ابزارهای مورد استفاده مردان متفاوت بود، اما در عین حال آنان نقش‌های متعددی را در مراحل گوناگون کار کشاورزی برعهده داشتند که زمانی حدود ۱۳ ماه را در یک سال کاری در برمی‌گرفت. این مجموعه فعالیت‌ها اگر چه با مشقت و سختی بسیار همراه بود اما در عین حال برای زنان دسترسی محدود به برخی از منابع را در پی داشت که سطحی از درآمد و استقلال مالی را برای آنان به همراه می‌آورد. اما با به کارگیری نهاده‌های تکنولوژیک معمولاً نقش‌ها بیشتر مردانه شده و از حوزه فعالیت زنان خارج شده است. بدین ترتیب زنان هر چه بیشتر کنترل خود را بر منابع قدرت مالی از دست داده و به حاشیه فعالیت‌های تولیدی رانده شده‌اند. ورود این نهاده‌ها فعالیت‌های زنان را به کمتر از ۶ ماه در سال کاهش داده‌است که عمدتاً شامل فعالیت‌هایی است که به دلایل گوناگون، برای اجرای آنان نهاده‌های تکنولوژیک مورد استفاده قرار نگرفته‌است. مردانه شدن فعالیت‌های مدرن، کنترل منابع مالی حاصل از فروش برنج را کاملاً در اختیار مردان قرار داده و منابع محدود زنان را از آنان سلب کرده‌است، از این رو زنان عمدتاً تبدیل به زنان خانه دار شدند که دسترسی چندانی به منابع تشویق کننده قدرت نداشتند. به نظر می‌رسد سرنوشت رابطه تکنولوژی با زنان شالیکار موید نظریه بزرف است که توسعه در شرایطی به ضد خود عمل می‌نماید.

منابع

- ابوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی زنان*. ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشرنی.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۷۸)، *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۵)، «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۵.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱)، *توسعه و چالش‌های زنان در ایران*، تهران: نشر قطره.
- شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم؛ جعفری، معصومه. (۱۳۸۶)، "مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها". *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱.
- شولتز، تئودور. (۱۳۶۷)، *گذر از کشاورزی سنتی*، (چاپ اول)، ترجمه: سید محمد سعید نوری نائینی، تهران: نشر نی.
- علیرضائزاد، سهیلا. (۱۳۷۳)، مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی: مطالعه موردی فعالیت‌های زراعی زنان روستایی گیلان- روستای گوهردان. *پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد*. دانشگاه تهران دانشکده علوم اجتماعی.
- غنی نژاد، موسی. (۱۳۷۷)، *تجدد طلبی و توسعه در ایران معاصر*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- فرخی، طاهره. (۱۳۷۶)، "نقش زنان در توسعه پایدار، تواناسازی زنان". *ماهنامه تعاون*. دوره جدید شماره ۷۴.

- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ دوم
- فهیمی فر، جمشید. (۱۳۷۰)، *بازار جهانی برنج*. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، قدرت هویت*. ترجمه: حسن چاووشیان، تهران: سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی راستابی، زهرا. (۱۳۸۲)، "توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه".
- *پژوهش زنان*. دوره ۱، سال ۳، شماره ۷.
- گالبرایت، جان کنت. (۱۳۸۹)، *آنا تومی قدرت*، ترجمه: محبوبه مهاجر، تهران: سروش، چاپ سوم
- لمتون، آن. کی. اس. (۱۳۷۹)، *نظریه دولت در ایران*، ترجمه: چنگیز پهلوان، تهران: نشر گیو.
- لوئیس، برنارد. (۱۳۸۱)، *خاورمیانه دوهزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۷)، *سالنامه آماری استان گیلان*.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۹)، *گزیده شاخص‌ها و نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان گیلان*
- ویرون، مایر. (۱۳۵۰)، *نوسازی جامعه چند گفتار در شناخت دینامیسم رشد*، تهران: موسسه انتشارات فرانکلین، چاپ اول.

- AlFaisal, Reem (2011). Unlike Cars, Camels don't pollute. *Arab News*. 19 November. <http://arabnews.com/opinion/columns/article453535.ece>
- Boserup, Ester (1980). *Women's Role in Economic Development*. New York: St. Martin's Press.
- Bossen, Laurel (2005). *Gender and Development Theories: from Invisible Women to Missing Women*. Draft for International Workshop, Japan: National Museum of Ethnology
- Loutfi, Martha F. (1985). *Rural Women, Unequal Partners in Development*. International Labor Office: Geneva
- Maneja, Claire Aster P. (2002). *Women Weaving and the Web: An Analysis of Rural Indian Women Agency in Attainiy Economic Empowerment*, Master of Arts Thesis in communication, Culture, and technology/, Washington D.C.
- Rowlands, Jo (1995). "Empowerment Examined" *Development in Practice*. Vol. 5. No. 2 May. <http://www.jstor.org/stable/4028929>.